



سلمان فارسی چگونه مفتخر به «منا اهل البیت» شد؟

سرآمد روایات مدح سلمان، روایتی است که با تعبیر «منا اهل البیت» او را در شمار اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. سلمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده تا در زمره اهل بیت (ع) قرار گرفت؟

سرآمد روایات مدح سلمان، روایتی است که با تعبیر «منا اهل البیت» او را در شمار اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. سلمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده تا در زمره اهل بیت (ع) قرار گرفت؟

به گزارش خبرگزاری مهر، امروز روز بزرگداشت سلمان فارسی، از اصحاب بزرگوار حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) است که مفتخر به عنوان سلمان «منا اهل البیت» شده است. به همین مناسبت در ادامه مروری خواهیم داشت بر بخش‌هایی از مقاله بررسی ویژگی‌های «منا» بودن سلمان فارسی بر اساس تحلیل روایات «لیس منا» نوشته سیدمرتضی حسینی امین دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران و حجت الاسلام سید محسن موسوی استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران که در دوره ۱۳، شماره ۲۶ پاییز و زمستان ۱۳۹۷ نیم سال نامه علمی ترویجی حدیث اندیشه، صفحه ۴۷-۶۹ منتشر شده است:

سلمان فارسی از جمله اصحاب پیامبر گرامی اسلام (ص) است که روایات فراوانی از سوی اهل بیت در تأیید شخصیت و اخلاق ایشان وارد شده است. سرآمد روایات مدح سلمان، روایتی است که با تعبیر «منا اهل البیت» او را در شمار اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. سلمان دارای چه ویژگی‌هایی بوده تا در زمره اهل بیت (ع) قرار گیرد؟

برای بازیابی ویژگی‌های کسانی که مصداق روایات «منا» می‌باشند، می‌توان از دسته‌ای دیگر از روایات بهره جست که ویژگی‌های افرادی را معرفی می‌کنند که از جمله‌ی اهل بیت نیستند. این دسته از احادیث با عنوان «لیس منا» شناخته می‌شود.

در این نوشته که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به سامان رسیده است، درصدد تبیین ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی هر مسلمان مانند سلمان، بر اساس روایات «لیس منا» می‌باشد. یافته‌های پژوهش حاکی است که مسلمان «منا اهل البیت» از خیانت، بداخلاقی، نامهربانی، مکر و خدعه و..... به دور است که می‌تواند الگویی شایسته برای هر مسلمان باشد.

خروج از زمره «منا اهل البیت» در روایات

برای فهم آن که سلمان فارسی حائز چه ویژگی‌هایی بوده که توسط معصومین (ع) مورد تکریم ویژه قرار گرفته، تا آنجا که از زمره‌ی اهل بیت (ع) معرفی شده است، می‌توان به روایاتی مراجعه نمود که در آن‌ها، معصومین (ع) برخی افراد را با برخی ویژگی‌ها از خود ندانسته‌اند. با پی بردن به این ویژگی‌ها می‌توان دریافت که سلمان فارسی به دور از چه خصلت‌هایی بوده که در زمره‌ی اهل بیت (ع) قرار گرفته است. این ویژگی‌های منفی اخلاقی به شرح زیر است:

یک) سو خلق

کلینی در اصول کافی از امام صادق (ع) روایت می‌کند: «فَقَالَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحْسِنِ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَاقَبَةَ مَنْ رَاقَبَهُ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَقَةَ مَنْ خَالَقَهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۲۸۶) در این روایت، امام (ع) افرادی را که معاشرت، همراهی، هم خوراکی و هم پیمانی با دیگران را نیکو به جا نیاورند، از اهل بیت نمی‌داند. صفات مذکور به بنیادی‌ترین اصول اخلاقی که در روابط فردی و اجتماعی که باید رعایت شود بر می‌گردد که دین مبین اسلام به رعایت آن‌ها تأکید ویژه نموده است. با عنایت به این روایت، می‌توان گفت: سلمان فارسی از جمله افرادی بود که دیگران از معاشرت و همراهی و هم غذایی با او سود می‌بردند و هرگز از وی پیمان شکنی ندیده‌اند.

این روایت علاوه بر اصول کافی، در کتبی هم چون «المحاسن» (برقی، ۱۳۷۱ ق: ج ۲، ص ۳۵۷)، «کتاب من لا یحضره الفقیه» (ابن بابویه، ۱۴۱۲ ق: ج ۲، ص ۲۷۴)، «السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی» (حلی، ۱۴۱۰ ق: ج ۳، ص ۵۷۸)، «عوالی اللئالی العزیزیه» (احسائی، ۱۴۰۵ ه ق، ج ۴، ص: ۳۲) و..... نیز نقل شده است. در برخی روایات نیز، با محتوایی شبیه روایت پیشین، توضیحات بیش تری در این زمینه آمده است. به عنوان نمونه در اصول کافی، حدیثی دیگر

از امام صادق (ع) در این زمینه آمده است: «قَالَ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَمْلِكْ نَفْسَهُ عِنْدَ غَضَبِهِ وَ مَنْ لَمْ يُحْسِنْ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُخَالَفَةَ مَنْ خَالَفَهُ وَ مُرَاقَبَةَ مَنْ رَاقَبَهُ وَ مُجَاوِرَةَ مَنْ جَاوَرَهُ وَ مُمَالِحَةَ مَنْ مَالَحَهُ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ اتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۶۳۷؛ ج ۴، ص ۶۸۳)

در این روایت علاوه بر صفات نام برده شده در روایت پیشین، افرادی که را که دارای رذائل اخلاقی هم چون: عدم تمکک نفس هنگام عصبانیت و نداشتن حسّ همسایگی و انسان دوستی می باشند، از اهل بیت ندانسته است. این روایت و روایات مشابه نشان می دهد که سلمان فارسی هیچ گاه در هنگام عصبانیت، کنترل اراده خویش را از دست نداده است و با هر که همسایگی نموده، رضایتش را جلب کرده است؛ چون از مقام حسن همسایگی برخوردار است. این روایت، علاوه بر اصول کافی، در منابع حدیثی هم چون: «الوافی» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ج ۵، ص ۵۳۰) و «هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة» (حرعاملی، ۱۴۱۲ ق: ج ۵، ص ۱۳۵) نیز نقل گردیده است.

دو) ناشکیبایی

یکی دیگر از سجایای اخلاقی، صبر بر مصائب است که سلمان واجد آن بوده است. چرا که در روایات متعدد آن دسته افراد که در مصائب صبر خود را از دست می دهند، از زمره ی اهل بیت (ع) خارج شده اند. مانند روایاتی که در مستدرک الوسائل و برخی دیگر از منابع حدیثی به این مضمون نقل شده است: «لیس منا من ضرب الخدود و شق الجيوب؛ از ما نیست کسی که (در مصائب) صورتش را بزند و گریبانش را چاک کند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۲، ص ۴۵۲؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق: ج ۴، ص ۳۷۰؛ عاملی، ۱۴۱۹ ق: ج ۲، ص ۵۹) مشابه همین مضمون از پیامبر اکرم (ص) نقل گردیده است: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ سَلَقَ وَ لَا خَرَقَ وَ لَا حَلَقَ؛ از ما نیست کسی که (در مصائب) بی تابى کرده و جامه می درد و موی خود می کند.» (احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ص ۱۱۱؛ زمخشری، ۱۴۱۷ ق: ج ۲، ص ۲۵۶) در نتیجه طبق روایات، فردی که بر سختی ها شکبیا نیست، از زمره «اهل بیت» خارج می شود.

سه) بی احترامی

احترام به بزرگان، احیای امر به معروف و نهی از منکر، و شناخت فضائل و مناقب اهل بیت عصمت (ع) سه اصل مهم در تقویت صفات نیک است. طبق احادیث و روایات، اگر هر یک از این صفات نام برده شده فراموش شوند، فرد از حوزه «منا اهل البيت» خارج می شود. در اصول کافی از امام صادق (ع) نقل شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَتَا وَ يَرْحَمُ صَغِيرَتَا؛ از ما نیست کسی که بزرگان مان را تکریم نمی دارد و به کودکانمان رحم نمی نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۱۶۵). تکریم بزرگان و عطف با کودکان (زیر دستان) از نکات اخلاقی است که در اسلام به خصوص در فرمایشات پیامبر اکرم (ع) مورد سفارش بسیار بوده است. لذا یکی از دلایلی که سلمان فارسی جزو «اهل البيت» معرفی شده است، تکریم بزرگان و هم چنین کودکان نزد ایشان است. در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) ویژگی دیگری به این صفات افزوده شده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَتَا وَ يَرْحَمُ صَغِيرَتَا وَ يَعْرِفُ فَضْلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ از ما نیست کسی که بزرگان مان را بزرگ نمی دارد و به کودکانمان رحم نمی نماید و فضائل ما اهل بیت را نشناسد.» (کوفی، بی تا؛ ص ۱۸۳) وقوف به فضل اهل بیت (ع) و ثابت قدم بودن در راه ولایت اهل بیت (ع)، در زندگی سلمان نمود بارزی داشته و ایشان از معدود افرادی است که تا پایان عمر از مسیر مستقیم ولایت اهل بیت (ع) به بی راهه نرفت. به همین علت به مقام رفیع «منا اهل البيت» نائل آمد.

چهار) ترک امر به معروف و نهی از منکر

در روایاتی دیگر از معصومین (ع)، علاوه بر موارد مذکور، به احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز تأکید شده است. مانند روایتی که ابن عباس از نبی مکرم (ص) نقل کرده است: «ابن عباس عن النبي ص قَالَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَتَا وَ يَرْحَمُ صَغِيرَتَا وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ» (احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ص ۱۰۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۳، ص: ۴۲۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۲ ه ق، ج ۵، ص: ۱۵۶) در نتیجه، یکی از دلایلی که سلمان فارسی از «اهل البيت» معرفی شده، امر معروف بودن و ناهی از منکر بودن ایشان است.

پنج) عدم وقوف به فضل اهل البيت (ع)

در روایتی دیگر از رسول خدا (ص) ویژگی دیگری به این صفات افزوده شده است: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَتَا وَ يَرْحَمُ صَغِيرَتَا وَ يَعْرِفُ فَضْلَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ از ما نیست کسی که بزرگان مان را بزرگ نمی دارد و به کودکانمان رحم نمی نماید و فضائل ما اهل بیت را نشناسد.» (کوفی، بی تا؛ ص ۱۸۳) وقوف به

فضل اهل بیت (ع) و ثابت قدم بودن در راه ولایت اهل بیت (ع)، در زندگی سلمان نمود بارزی داشته و ایشان از معدود افرادی است که تا پایان عمر از مسیر مستقیم ولایت اهل بیت (ع) به بی راهه نرفت. به همین علت به مقام رفیع «منا اهل البیت» نائل آمد.

شش) مکر و حيله

در احادیث و روایات، به صداقت در گفتار و رفتار و مبرا بودن از مکر و حيله، تأکید ویژه شده است و افراد حيله گر، از زمره «اهل بیت» خارج شده اند. در اصول کافی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَكَرَ مُسْلِمًا؛ از ما نیست کسی که مسلمانی را مورد مکر و نیرنگ قرار می دهد.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۳۳۷) مکر و نیرنگ به هم کیشان از صفات نکوهیده ای است که مورد نهی روایات اسلامی واقع گردیده و جناب سلمان از این صفت نکوهیده مبرا می باشد. خاطر نشان می گردد حدیث مذکور، علاوه بر اصول کافی، در ثواب الأعمال شیخ صدوق نیز نقل گردیده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ص ۲۷۱)

هفت) غفلت از محاسبه ی نفس

حساب رسی از اعمال، قبل از آن که خداوند به حساب ها برسد، از ضروریاتی است که روایات بسیاری به این مهم تأکید ویژه دارند. از طرفی دیگر، معصومین (ع) افرادی را که از محاسبه نفس غفلت ورزیده اند، از خود نمی دانند. در اصول کافی و دیگر منابع روایی، حدیثی از امام کاظم (ع) به این مضمون نقل شده است: «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي ص قَالَ: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ قَبْلَ أَنْ يَمُوتَ حَسَنًا اسْتِزَادَ اللَّهُ وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَعْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ؛ از ما نیست کسی که هر روز (اعمال) خویش را محاسبه نمی نماید، که اگر (نتیجه) کارش نیک باشد از خدا طلب فزونی نماید و اگر (نتیجه) کارش گناه باشد از خدا برای آن طلب آمرزش نماید و به سوی او (خدا) توبه نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق: ج ۲، ص ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۲۶۹؛ حلی، ۱۴۰۶ ق: ص ۲۱۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق: ج ۴، ص ۳۱۳؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۲، ص ۱۵۳) با توجه به این حدیث، جناب سلمان هرروز اعمال خویش را محاسبه می نموده و اگر اعمال نیکی داشته از خداوند فزونی این اعمال را طلب می نموده و اگر گناهی مرتکب شده از خداوند طلب غفران کرده است. در نتیجه به سبب پرورش این صفات، از «منا اهل البیت» شده است.

هشت) خیانت در امانت

امانت، حوزه گسترده ای را شامل می شود. وفای به عهد و امانت و عدم خیانت در امانت، در روایات تأکید ویژه ای شده است. طبق روایات کسی که امانت را ضایع و تباه می کند از «اهل بیت» نیست. در کتاب اصول کافی در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ أَخْلَفَ بِالْأَمَانَةِ؛ از ما نیست کسی که در امانت خیانت می نماید.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۱۳۳ و ج ۹، ص ۷۱۱) طبق این فرمایش، سلمان فارسی هیچ گاه در امانت، خیانت ننموده است. از مصادیق ادای امانت، ادای حق ولایت امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) است که جناب سلمان تا پایان عمر به آن اذعان داشته و از آن دفاع نموده است. این روایت را علاوه بر کلینی، صاحب کتاب «الجعفریات» (اشعث کوفی، بی تا، ص ۱۸۳) و «مستدرک الوسائل» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۱۴، ص ۱۳) نیز نقل نموده اند.

نه) تزییع حقوق اهل بیت (ع)

در کتاب اصول کافی در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّتَا؛ از ما نیست کسی که به ما (اهل بیت) خیانت کند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۵، ص ۱۶۰) در روایاتی دیگر مضمون کلام به صورت عمومی بیان شده است. به عنوان نمونه در من لا یحضره الفقیه آمده است: «وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ص ۲۷۳) و در وسایل الشیعة طی روایتی نقل شده است: «وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا؛ از ما نیست کسی که به مسلمانی خیانت نماید.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۲، ص ۲۴۱) از این روایات این مطلب استنباط می شود که سلمان فارسی به هیچ مسلمانی به خصوص معصومین (ع) خیانت نورزیده است. این دو روایت از امام صادق (ع)، علاوه بر منابع مذکور، در کافی (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱۰، ص ۴۴)، تهذیب (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ج ۷، ص ۱۲)، منتهی المطلب (حلی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱۵، ص ۳۰۸ و ج ۱۵، ص ۳۷۸)، عوالی اللئالی (احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۲، ص ۲۴۴ و ج ۲، ص: ۲۰۷) و وسایل الشیعة (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۴۱) نیز نقل گردیده است.

ده) عدم حفظ اعتدال در امور دنیوی و اخروی

در دسته ای دیگر از روایات معصومین (ع) گروهی از مسلمانان که برای آخرت دنیایشان را ترک و یا برای دنیا آخرتشان را ترک می گویند را از خود ندانسته اند. در «کتاب من لا یحضره الفقیه» در این زمینه روایتی با این مضمون آمده است: «وَقَالَ ع لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛ اِزْمَا نَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه دُنْيَايْش رَا بَرَايْ آخِرْتَش رَهَا كَنْد وَ يَا آخِرْتَش رَا بَه خَاطِر دُنْيَايْش رَهَا نَمَايْد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ج ۳، ص ۱۵۶؛ حلی، ۱۴۱۲ ق: ج ۱۵، ص ۲۷۳) قریب به همین مضمون، طی روایتی طولانی در کتاب دعائم الإسلام مندرج است. در این روایت، به داستان یکی از صحابه (عثمان بن مظعون) اشاره شده است که جهت زهد دنیوی، تمام نعمت های مادی را بر خود حرام کرده بود. پیامبر اکرم (ص) وی را به شدت از این کار نهی فرمودند و بیان داشتند: «فَقَالَ وَ هَمَمْتُ أَنْ أُحِبَّ نَفْسِي قَالَ يَا عُمَانُ (بْنُ مَطْعُونٍ) لَيْسَ مِنَّا مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ يَنْفُسِهِ وَ لَا يَأْخُذُ بِإِنْ وَجَاءَ أُمَّتِي الصِّيَامُ؛ اِز مَا نَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه اَيْن كَار (حَبْس) رَا بَا خُود يَا دِيْگَرِي اَنْجَام دَهْد؛ دَر صُورْتِي كَه زَهْد اَمَّت مِن رُوزَه اَسْت.» (تمیمی، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ص ۱۹۰؛ احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۳، ص ۲۹۲) سلمان فارسی در زهد، زبان زد است اما هیچ گاه برای آخرت، دنیایش را ترک نکرد. ایشان تا آخر عمر در میان مردم همانند افراد عادی زندگی کرد و در عین حال یکی از زاهدترین اشخاص زمانه خود بود.

یازده) بخل ورزی

دسته ای دیگر از روایات، به معیشت خانوادگی افراد اشاره دارد و راهکارهایی را جهت زندگی مسالمت آمیز در کنار خانواده مطرح می نماید. در این روایات، افرادی که صفاتی نکوهیده همچون بخل و سخت گیری نسبت به خانواده با وجود وسعت مال در آن ها وجود دارد، از اهل بیت نمی دانند. در روایت شریف نبوی (ص) آمده است: «وَقَالَ ص لَيْسَ مِنَّا مَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ؛ اِز مَانَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه خُدا بَه او وَسْعَتْ (مَال) عَطَا نَمُودَه اِما او بَر خَاْنُودَه اَش سَخْت مِي گِيْرِد.» (احسائی، ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ص ۲۵۵)

دوازده) هتک حرمت خانواده

در روایتی دیگر از نبی مکرم (ص) فریفتن فردی علیه همسرش، به شدت نکوهش شده و فرد فریب کار از حوزه «متأهل البيت» خارج شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ حَبَّبَ امْرَأَةً رَجُلًا عَلَيْهِ؛ اِز مَا نَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه هَمْسِر مَرْدِي رَا عَلِيَه شُوْهَرِش بَفَرِيْد.» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵ ق: ج ۲، ص ۴۴۸) شبیه همین مضمون در روایتی دیگر از نبی مکرم (ص) آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ حَبَّبَ امْرَأَةً رَجُلًا مُسْلِمًا عَلَيْهِ؛ اِز مَانَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه هَمْسِر مَرْد مَسْلِمَانِي رَا نَزْدَش پَلِيْد گِرْدَانْد.» (اشعث کوفی، بی تا؛ ص ۱۰۴) در این دسته از روایات به روابط خانوادگی اشاره شده است که نشان می دهد سلمان در رفتار خانوادگی نیز از رذائل اخلاقی به دور بودند.

سیزده) سهل انگاری در برابر شرایع دینی

در بسیاری از روایات، از جمله روایتی از امام علی بن موسی الرضا (ع) به تقید مسلمان به احکام شرعی تأکید ویژه شده است؛ و کسانی که در قبال انجام شرایع دینی کوتاهی می کنند، از حوزه «متأهل البيت» خارج شده اند. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ صَامَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ وَ أَفْطَرَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ؛ اِز مَا نَيْسَتْ كَسِيٌّ كَه قَبْل اِز رُؤْيْت (هَلَال اوْل ماه رمضان) رُوزَه (ماه رمضان) مِي گِيْرِد وَ قَبْل اِز رُؤْيْت (هَلَال اوْل ماه شوال) اِفْطَار مِي نَمَايْد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ج ۲، ص ۱۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ج ۱۰، ص ۲۸؛ ابن بابویه، ۱۳۹۷ ق: ص ۶۳) این روایت به عنوان نمونه اشاره دارد به اینکه کسی که تابع احکام شرعی نباشد از معصومین (ع) نیست و نشان می دهد جناب سلمان فارسی به طور کامل تابع احکام الهی و شرعی بوده اند.

چهارده) غفلت از انس با قرآن کریم

در روایتی از پیامبر اکرم (ص)، پیرامون ارتباط مسلمان با قرآن کریم آمده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَعَنَّ بِالْقُرْآنِ؛ نَيْسَتْ اِز مَا كَسِيٌّ كَه قُرْآن رَا بَا صَدَاي زِيَا نَمِي خُوانْد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ ق: ص ۲۷۹؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ ق: ج ۴، ص ۲۷۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ ق: ج ۷۶، ص ۲۵۵) علمای اسلامی در شرح این حدیث شریف، صرفاً به صدای زیبا بسنده نکرده اند و عبارت (لَمْ يَتَعَنَّ) در روایت را به معانی دیگری نیز تفسیر نموده اند. مانند این که مسلمان با داشتن قرآن کریم باید احساس بی نیازی نماید و با تلاوت آن لذت ببرد (سروی مازندرانی، ۱۳۸۲ ق: ج ۱۱، ص ۲۶) این روایات نشان دهنده رابطه نزدیک جناب سلمان با قرآن کریم است که هم قرآن را با صدای نیکو تلاوت می فرمود و هم از قرآن بهره ای فراوان داشتند.

دسته ای از روایات به مذمت سحر، جادو و پیشگویی پرداخته اند و ساحر، جادوگر و پیشگو را از اهل بیت نمی دانند. از جمله آن ها، روایتی بلند از امام باقر (ع) است که در کتاب «الخراج و الجرائح» (راوندی، ۱۴۰۹، ق: ج ۲، ص ۶۰۵) نقل شده است. در قسمتی از این حدیث شریف آمده است: «لَيْسَ مِنَّا سَاحِرٌ وَ لَا كَاهِنٌ» شبیه همین مضمون طی از نبی مکرم (ص) در کتاب «معجم المصطلحات»، با این مضمون نقل شده است: «لیس منا من تطیر أو تطیر له» (محمود عبد الرحمان، بی تا: ج ۲، ص ۴۴۳) این روایت، به کسی که فال بد می زند اشاره دارد، یا فال بد برای او می زنند (و او می پذیرد) و در روایتی دیگر از امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «لَيْسَ مِیَّی مَنْ تَكْهَنَ أَوْ تُكْهَنَ لَهُ أَوْ سَحَرَ أَوْ تُسَجَّرَ لَهُ الْخَبَرَ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ق: ج ۱۳، ص ۱۱۱) از این دسته روایات بر می آید که جناب سلمان از جادو و پیشگویی به دور است.

شانزده) بی اعتنایی به موضوع رجعت و متعه

گروه دیگری که از اهل بیت نیستند، افرادی هستند که به رجعت اهل بیت (ع) ایمان ندارند، و حلال خداوند یعنی متعه را حرام شمرده اند. این مطلب از فرمایشات معصومین (ع) قابل اثبات است. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (ع) در «من لا یحضره الفقیه» آمده است: «قَالَ الصَّادِقُ ع لَيْسَ مِیَّی مَنْ لَمْ یُؤْمِنْ بِرَجْعَتِنَا وَ یَسْتَجِلُّ مُنْعَتَنَا؛ از ما نیست کسی که به رجعت ما ایمان ندارد و متعه را حلال نمی شمارد.» (ابن بابویه، ۱۴۰۶، ق: ج ۳، ص ۴۵۸؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ق: ج ۱۰۰، ص ۳۲۰) طبق این روایات، می توان سلمان را از جمله افرادی شمرد که به رجعت معصومین (ع) ایمان داشته است.

هفده) بی اعتنایی به نماز

۱. دسته ای از روایات، تأکید بر اقامه نماز شب دارند. از جمله در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «لَيْسَ مِیَّی مَنْ لَمْ یُصَلِّ صَلَاةَ اللَّیْلِ؛ از ما نیست کسی که نماز شب را به پا نمی دارد.» (جرعاملی، ۱۴۰۹، ق: ج ۸، ص ۱۶۲؛ همو، ۱۴۱۲، ق: ج ۳، ص ۳۲۹)

۲. در کتاب دعائم الإسلام طی روایتی بلند از امیر المؤمنین (ع) علاوه بر نماز شب، اقامه نماز صبح نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قسمتی از این حدیث شریف به این شرح است: «لَيْسَ مِیَّی وَ لَا مِنْ شِیعَتِی مَنْ ضَیَّعَ الْوَتْرَ أَوْ مَطَّلَ رِجْلَتَی الْفَجْرِ» (تمیمی مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۴۸)

۳. و در کتاب «تحریر الأحکام» در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لیس من استخف بصلاته لا یرد علی الحوض لا و الله لیس منی من شرب مسکرا لا یرد علی الحوض لا و الله» (حلی، بی تا: ج ۱، ص ۲۶) در این روایت، کسانی که نماز را سبک شمارند و یا شرب خمر کنند، از اهل بیت خارج می کند. از مجموع این دسته از روایات می توان اینگونه برداشت نمود که معصومین (ع) فرموده اند: «ازمانیست کسی که نماز را سبک شمارد و نماز شب به پا ندارد و شرب خمر نماید.» نتیجه این روایات بیان گر آن است که جناب سلمان هرگز نماز را سبک نشمارده و شرب خمر نداشته است. در نتیجه «منا أهل البيت» شده است.

هجده) شرب خمر

در کتاب «تحریر الأحکام» در روایتی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لیس منی من شرب مسکرا لا یرد علی الحوض لا و الله» (همان: ج ۱، ص ۲۶) در این روایت، کسانی که شرب خمر کنند، از اهل بیت خارج می کند.

نوزده) تکذیب اهل بیت (ع) در حین وفور نعمت

در کتاب مستدرک الوسائل روایت از امام محمدباقر (ع) آمده است که می فرماید: «از ما نیست کسی که هنگامی که (مقام دنیوی) بالا می رود و مردم به او بنگرند، شیطان به او امر کند و ما (معصومین علیهم السلام) را تکذیب کند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ق: ج ۹، ص ۹۱) در طول تاریخ اسلام افرادی بودند که بر اثر همراهی با پیامبر اکرم (ص) یا گرایش به دین مبین اسلام مقامات دنیوی کسب نمودند. اما غرور این مقام دنیوی باعث شد تا از حوزه اطاعت ائمه معصومین (ع) خارج شوند و حتی به تکذیب ایشان پردازند. اما جناب سلمان با بالا رفتن مقام دنیوی و معنوی از اطاعت معصومین (ع) خارج نشد و همیشه به ولایت ایشان اذعان داشته است.

در کتاب اصول کافی روایتی آمده است که بیان می دارد: «لَيْسَ مِتًّا وَ لَا كَرَامَةً مَنْ كَانَ فِي مِصْرٍ فِيهِ مِائَةٌ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَ كَانَ فِي ذَلِكَ الْمِصْرِ أَحَدٌ أَوْرَعَ مِنْهُ؛ از ما نیست کسی که در شهرش فردی باشد که از او پرهیزکارتر است.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۲، ص ۷۸) این روایت بیان می نماید فردی که از اهل بیت است باید از همشهری های خود پرهیزکارتر باشد. از این رو به مقام والای جناب سلمان پی می بریم که ایشان از مردمان زمانه ی خود با تقواتر بوده اند.

بیست و یک) انحرافات فکری در اصول اعتقادی

تعدادی از روایات، به اصول اعتقادات اشاره دارند. از جمله روایتی از امام کاظم (ع) در کتاب الفصول المهمة که حضرت می فرمایند: «إِنَّهُ لَيْسَ مِتًّا، مِنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ جِسْمٌ وَ تَحَنُّ مِنْهُ بُرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» (حرعاملی، ۱۴۱۸ ق: ج ۱، ص ۱۴۷) و روایتی از امیرالمؤمنین (ع): «لیس منا من لم يؤمن بالقدر خيره و شره» (مجلسی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲، ص ۱۷۹) در این دو روایت، افرادی که دارای انحرافات فکری در اصول اعتقادات هستند، از دایره عضویت در اهل بیت (ع) خارج شده اند و این مضمون را دنبال می کنند: «از ما نیست کسی که خداوند متعال را جسم می داند و به قضا و قدر در همه امور ایمان ندارد» در نتیجه طبق این روایات، مشخص می شود جناب سلمان از انحراف در اصول اعتقادات مبرا بوده است.

نتیجه

رسیدن به مقامات عالی به حدّی که فرد در زمره «متّا اهل البیت» قرار گیرد، برای هر فردی امکان پذیر نیست، مگر آن که با پرورش برخی ویژگی های مثبت اخلاقی در خود، و دوری از برخی رذائل، به این درجه برسد. سلمان فارسی از جمله افرادی است که بنابر احادیث متواتر، در زمره «متّا اهل البیت» قرار گرفته است. با توجّه به روایاتی از معصومین (ع) که در حوزه «لیس متّا اهل البیت» صادر شده و بر اساس این روایات، افرادی از زمره اهل بیت خارج شده اند، می توان نتیجه گرفت سلمان فارسی متّصف به صفات پسندیده ای همچون: حسن خلق، صبر در برابر مصائب، اهتمام در برپایی شرایع دینی، احترام به هم نوع، اهتمام به فریضه مهمّ امر به معروف و نهی از منکر، وقوف به مقام فضل اهل البیت (ع)، انس با قرآن کریم و.... بوده است که به درجه «متّا اهل البیت» رسیده و سلمان محمّدی نام گرفته است. با دوری از صفات ناپسندی که معصومین (ع) ضمن بیان آن ها افرادی را که این صفات را در خود تقویت کرده اند، از زمره «اهل البیت» خارج نموده اند، می توان به درجه «متّا اهل البیت» نزدیک شد.